

نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران / سال شانزدهم، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ۱۹۳-۲۱۵

مقاله پژوهشی

تحصیلات، توسعه و مهاجرت‌های داخلی در ایران

رسول صادقی^۱، نصیبه اسمعیلی^۲، محمدجلال عباسی‌شوازی^۳

چکیده

مدل‌های نظری و شواهد تجربی بیانگر رابطه پیچیده، چندوجهی و متقابل تحصیلات و مهاجرت است. در ایران، مهاجرت داخلی نقش زیادی در پویایی و جابه‌جایی افراد تحصیل‌کرده و سرمایه انسانی دارد، و در مقابل، تحصیلات نیز نقش مهمی در تصمیم‌گیری و اقدام به مهاجرت افراد دارد. هدف این مقاله بررسی تأثیر تحصیلات بر مهاجرت‌های بین‌شهرستانی در بسترهای مختلف توسعه‌ای با استفاده از داده‌های سطح خرد (فردی) و سطح کلان سرشماری ۱۳۹۵ می‌باشد. نتایج نشان داد موازنه مهاجرت بین‌شهرستانی در دوره ۹۵-۱۳۹۰ در سه چهارم شهرستان‌های کشور منفی بوده است. همچنین، نتایج بیانگر رابطه مثبت تحصیلات دانشگاهی با میزان خالص مهاجرت بین‌شهرستانی است. البته، رابطه تحصیلات دانشگاهی با میزان خالص مهاجرتی، در بسترهای مختلف توسعه‌ای متفاوت بدست آمد؛ در شهرستان‌های کمتر توسعه‌یافته، نسبت بالای جمعیت تحصیل‌کرده دانشگاهی منجر به موازنه مهاجرتی منفی بیشتر شده است. در مقابل، در شهرستان‌های توسعه‌یافته، نسبت بالای جمعیت تحصیل‌کرده دانشگاهی با موازنه مثبت مهاجرتی بیشتر همراه است. علاوه بر این، نتایج تحلیل داده‌های فردی نشان داد که شدت مهاجرت با افزایش سطح تحصیلات بطور معناداری افزایش می‌یابد. به‌طوری‌که، شاخص شدت مهاجرتی برای افراد با تحصیلات دکتری حدود ده برابر افراد بی‌سواد بوده است. از اینرو، در موازنه مهاجرتی، شهرستان‌های توسعه‌یافته سرمایه انسانی بیشتری بدست آورده و در مقابل شهرستان‌های توسعه نیافته، جمعیت تحصیل‌کرده دانشگاهی و سرمایه انسانی‌شان را از دست می‌دهند. تداوم چنین وضعیتی منجر به تشدید نابرابری‌های اجتماعی-منطقه‌ای در کشور می‌شود. **واژگان کلیدی:** توسعه، تحصیلات دانشگاهی، میزان خالص مهاجرت، شدت مهاجرت، مهاجرت داخلی.

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۱۴

۱. دانشیار جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و محقق موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور
rassadeghi@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) esmaeli@gmail.com

۳. استاد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران mabbasi@ut.ac.ir

DOI: <https://dx.doi.org/10.22034/jpai.2021.128570.1152>

مقدمه و بیان مساله

مهاجرت به‌عنوان حرکت یک فرد یا گروهی از افراد، در مرزهای بین‌المللی یا در داخل کشور، هرچند سابقه دیرینه دارد اما در دهه‌های اخیر افزایش سریعی داشته است. امروزه مهاجرت به یک موضوع مهم و عمده در مباحثات و سیاست‌های عمومی در عرصه بین‌المللی و داخلی تبدیل شده است. در ارتباط با مهاجرت بین‌المللی، بیش از ۲۳۱ میلیون نفر در کشوری زندگی می‌کنند که در آن متولد نشده‌اند که در حدود ۳ درصد از جمعیت جهان است (سازمان ملل، ۲۰۱۳). در حالی که، تعداد افرادی که در داخل مرزهای کشور خودشان مهاجرت می‌کنند بیش از سه برابر تعداد مهاجران بین‌المللی است و حدود ۷۶۳ میلیون نفر است (اسی‌پوا، پوگلیس و ری، ۲۰۱۳؛ بل و چارلز ادوارد، ۲۰۱۳).

در عصر حاضر، بعد از گذار جمعیتی و یا در مراحل پایانی آن، مهاجرت داخلی بیشتر از باروری و مرگ‌ومیر در پویایی جمعیت کشورها نقش خواهد داشت (صادقی، عباسی‌شوازی و شهبازین، ۲۰۲۰). از اینرو، با بهبود شرایط بهداشتی و کنترل بیماری‌های واگیر از یکسو، و کاهش باروری به سطح جانشینی از سوی دیگر، مهاجرت نقش مهمی در تغییرات جمعیتی ایران دارد (شهبازین، عسکری‌ندوشن و عباسی‌شوازی، ۱۳۹۷) و در نتیجه، مهاجرت‌های داخلی را می‌توان از عوامل تعیین‌کننده مهم میزان رشد جمعیت ایران در سطوح استانی و شهرستانی به شمار آورد (محمودیان و قاسمی‌اردهائی، ۱۳۹۲). مهاجرت یکی از عوامل تاثیرگذار بر جمعیت بوده و دارای اثرات منفی و مثبت در بلندمدت و کوتاه‌مدت است، این اثرات تغییراتی را در ساختار اجتماعی و اقتصادی مناطق مهاجرفرست و مهاجرپذیر وارد می‌کند. در نیم‌قرن اخیر به طور متوسط سالانه یک میلیون نفر در داخل کشور در دهه‌های اخیر مهاجرت کرده‌اند. تغییر الگوی مهاجرتی از روستا به شهر به مهاجرت‌های بین‌شهری، افزایش مهاجرت‌های بین شهرستانی و بین استانی، افزایش سهم و مشارکت زنان در جریانات مهاجرتی، نابرابری‌های منطقه‌ای و افزایش جریان

1 Esipova, Pugliese, and Tay

2 Bell and Charles-Edwards

مهاجرفرستی از شرق و غرب کشور به سمت مرکز، از ابعاد و الگوهای در حال تغییر جریان مهاجرت‌های داخلی در ایران است (صادقی، عباسی‌شوازی و شهبازین، ۲۰۲۰).

ناپایداری جمعیتی که در نرخ‌های بالای مهاجرفرستی معنا پیدا می‌کند و متأثر از نابرابری توسعه‌ای در کشور است، برای مناطق مرزی کشور به‌ویژه جنوب شرقی کشور و مناطق غربی کشور بیشتر محسوس و قابل مشاهده است. در مقابل، در مناطق مرکزی و شمالی کشور و منطقه پارس جنوبی (کنگان و عسلویه) مهاجرپذیری بالایی وجود دارد. این وضعیت‌های متفاوت بیانگر آن است که پایداری جمعیتی بخشی از نظام پایداری است که با پایداری در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست-محیطی ارتباط تنگاتنگی دارد. به بیان دیگر، یکی از بسترهای مهم و کلیدی شکل‌گیری مهاجرت‌های داخلی، نابرابری فضایی توسعه‌ای است. شهرستان‌های کشور سطوح متفاوتی از توسعه را تجربه می‌کنند و این عدم تعادل در بهره‌گیری از مواهب توسعه‌ای به حرکات و جابجایی‌های ناموزون جمعیتی منجر شده است (صادقی و شکریانی، ۱۳۹۵). هرچند توسعه نابرابر عامل مهمی در جریان مهاجرت‌های داخلی است، اما تفاوت‌های منطقه‌ای و استانی محسوسی در علل مهاجرت از بیکاری گرفته تا خشکسالی وجود دارد. با توجه به تشدید نابرابری‌های فضایی و منطقه‌ای در کشور، کمبود فرصت‌های شغلی در بسیاری از استانهای کشور، در کنار ساختار جوان جمعیتی و ظهور پنجره جمعیتی (افزایش نسبت جمعیت در سنین فعالیت)، همچنان شاهد افزایش جریان مهاجرت‌های داخلی خواهیم بود. عوامل بسیاری بر مهاجرت و جابجایی‌های داخلی تأثیرگذار هستند که در این بین نقش تحصیلات حائز اهمیت فراوانی است. سطح تحصیلات به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه-یافتگی، با ایجاد زمینه گسترش آگاهی افراد جامعه، باعث افزایش مهارت و تخصص نیروی کار و بهبود شرایط زندگی شده و می‌تواند انگیزه‌های مهاجرت را تحت‌تأثیر قرار دهد (اسکویی و اکبری، ۱۳۹۴). بنابراین، تحصیلات نقش مهمی در تصمیم‌گیری و اقدام به مهاجرت افراد به ویژه جوانان ایفاء می‌کند. افزایش تحصیلات و سرمایه‌گذاری بیشتر در امر تحصیل احتمال تمایل به مهاجرت را افزایش می‌دهد. به عنوان مثال، سرمایه‌گذاری در تحصیل، مهارت‌های

فردی را در آینده افزایش می‌دهد که در نتیجه منجر به سرمایه‌گذاری بیشتر در آموزش می‌شود. اگر فرصت‌های آموزشی، چه از نظر دسترسی به تحصیل یا کیفیت آن، به طور مساوی میان مناطق توزیع نشده باشد، افراد ممکن است به مناطقی که تجمع سرمایه انسانی بالایی دارند، مهاجرت کنند (ساهوتا^۱، ۱۹۶۸، آدامز و ریچارد^۲، ۱۹۹۳؛ مک هنری^۳، ۲۰۱۳؛ ایدمیر، کیدر و گورای^۴، ۲۰۱۸). با رشد شهرنشینی، سرمایه انسانی تمایل به تجمع در مناطق شهری دارد. هرچند وسعت این فرآیند در طول زمان و بین کشورها متفاوت است (گینسبرگ و همکاران^۵، ۲۰۱۶). البته، در حالی که تعداد افراد تحصیل کرده و ماهر در مبدا به دلیل مهاجرت به شهرهای دیگر، ممکن است در کوتاه‌مدت کاهش یابد. اما در بلندمدت، مهاجرت و وجوه ارسالی می‌تواند به افزایش سرمایه انسانی در مبدا کمک کند (فاگین و همکاران^۶، ۲۰۱۷). در مقابل، مهاجرت داخلی، در سطوح منطقه‌ای و کلان، با انتقال دانش و مهارت به مکان‌هایی که مورد نیاز است، می‌تواند باعث افزایش عملکرد اقتصادی منطقه شود و در سطح فردی، به وسیله اختیار دادن به افراد برای دنبال کردن اهداف و آرمان‌ها، از جمله ادامه تحصیل، منجر به رفاه اقتصادی و اجتماعی افراد خواهد شد (بل و چارلز ادوارد، ۲۰۱۳).

از اینرو، مطالعات و شواهد تجربی بیانگر رابطه پیچیده، چندوجهی و متقابل تحصیلات و مهاجرت است. چندین مسیر و کانال وجود دارند که از طریق آن مهاجرت، هم در داخل و هم در بین کشورها با تحصیلات در ارتباط است: نخست؛ تحصیلات، با کاهش هزینه‌ها و موانع برای حرکت و افزایش درآمدهای اقتصادی، باعث تسهیل مهاجرت می‌شود. دوم؛ نقل مکان از مبدا می‌تواند فرصتی را برای مهاجران فراهم کند تا مهارت‌های جدیدی را از طریق تحصیل کسب کنند، از اینرو، در برخی از کشورها میزان قابل توجهی از جوانان برای ادامه تحصیل مهاجرت می‌کنند. در نهایت، از طریق مهاجرت، توزیع سرمایه انسانی می‌تواند

1 Sahota

2 Adams and Richard

3 McHenry

4 Aydemir, Kirdar, and Guray.

5 Ginsburg and et al.

6 Faggian and et al.

سهم و ترکیب دانش و مهارت‌ها را در هر دو منطقه مبدا و مقصد تغییر دهد (برنارد، بل و کوپر،^۱ ۲۰۱۸). بر این اساس، هدف این مقاله بررسی تأثیر تحصیلات بر مهاجرت‌های بین شهرستانی در بسترهای مختلف توسعه‌ای با استفاده از داده‌های سطح خرد (فردی) و سطح کلان سرشماری ۱۳۹۵ می‌باشد.

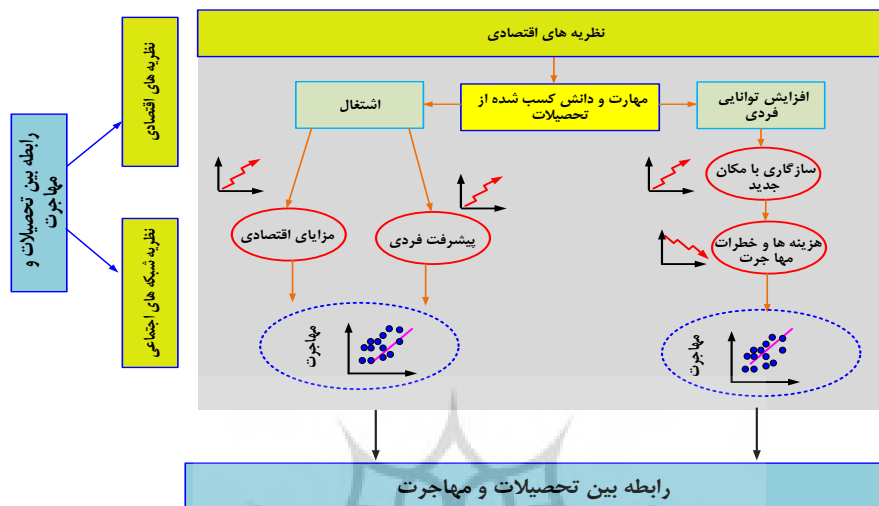
چارچوب نظری

نظریه‌های مختلفی به تحلیل و تبیین رابطه بین تحصیلات و مهاجرت پرداخته‌اند که می‌توان آنها را در دو دسته نظریه‌های اقتصادی و نظریه‌های شبکه اجتماعی بررسی کرد. نظریه‌های اقتصادی یکی از قدیمی‌ترین نظریه‌ها در تبیین رابطه بین تحصیلات و مهاجرت است. این موضوع در اقتصاد نئوکلاسیک و در اقتصاد جدید نظریه‌های مهاجرت، مطرح است. نظریه‌های اقتصادی، دستیابی آموزشی را به عنوان شکلی از سرمایه انسانی تصور می‌کنند که منجر به بهبود پیامدهای مهاجرت می‌شود (استارک و بلوم^۲، ۱۹۸۵؛ مسی و اسپینوسا^۳، ۱۹۹۷). مهارت‌ها، دانش و موقعیت کسب شده از تحصیل رسمی، منجر به کسب اشتغال در خارج از خانه و نیز پیشرفت فردی همراه با مزایای بالای اقتصادی می‌شود. این امر منجر به بهبود پیامدهای (اقتصادی) مهاجرت برای فرد خواهد شد. از سوی دیگر، دانش و مهارت‌های کسب شده رسمی، توانایی فرد را برای فراهم نمودن مهاجرت و سازگاری با یک مکان جدید افزایش خواهد داد، در نتیجه هزینه‌ها و خطرات مهاجرت کاهش پیدا می‌کند. نظریه‌های اقتصادی از طریق این مکانیسم‌ها به طور کلی پیش‌بینی می‌کنند که دستیابی آموزشی و تحصیلی رابطه مثبتی با مهاجرت دارد. در شکل ۱ این نظریه به صورت شماتیک به تصویر کشیده شده است.

1 Bernad, Bell and Cooper.

2 Stark and Bloom

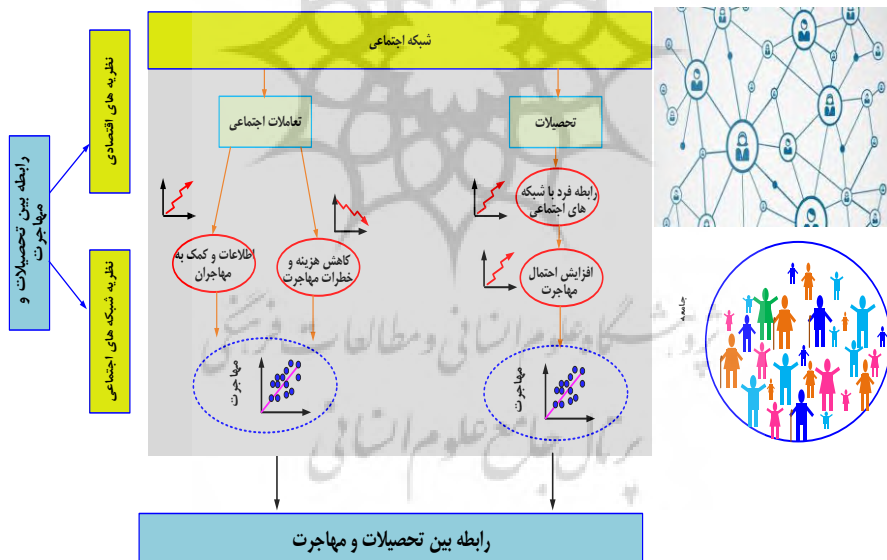
3 Massey and Espinosa



شکل ۱: شماتیک شده رابطه تحصیلات و مهاجرت بر اساس نظریه های اقتصادی مهاجرت

نظریه دیگری که در زمینه رابطه تحصیلات و مهاجرت ارائه شده، نظریه شبکه اجتماعی است. این نظریه که در چند دهه گذشته از حمایت قوی برخوردار است آموزش را به مکانیسم‌های اجتماعی پیوند می‌دهد (مسی و اسپافیا، ۱۹۸۷). شبکه‌های اجتماعی ساختار روابط میان افراد (یا سازمان‌ها و نهادها) هستند که به وسیله یک یا چند ویژگی مشترک مانند دوستی، خویشاوندی، منافع مشترک و اعتقادات به یکدیگر متصل یا به اصطلاح گره خورده‌اند. به بیان ساده‌تر یک شبکه اجتماعی نقشه روابط افراد مورد مطالعه را نشان می‌دهد. مسئله اصلی در دیدگاه شبکه، روابط است. واحد تشکیل‌دهنده ساختار جامعه، شبکه‌های تعاملی هستند (لوی و وادیک،^۱ ۱۹۷۴). نظریه شبکه با مطالعه روابط اجتماعی موجود بین مجموعه افراد، به تحلیل ساخت اجتماعی می‌پردازد. ضمن اینکه به کل ساخت توجه می‌کند و الگوی روابط موجود در داخل ساخت را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. بنابراین نقطه تمرکز دیدگاه شبکه این است که به جای توجه و تأکید بر کنشگران و ویژگی‌های فردی به عنوان واحد تحلیل، به ساختار روابط بین کنشگران توجه می‌کند (مسی و اسپافیا، ۱۹۸۷). بنابراین، شبکه‌های اجتماعی احتمال مهاجرت را افزایش می‌دهند. تحقیقات تجربی صورت گرفته، تعامل اجتماعی را یک عامل تعیین‌کننده قوی

برای اقدام به مهاجرت نشان داده‌اند (دوناتو،^۱ ۱۹۹۳؛ زلوتنیک،^۲ ۱۹۹۵؛ مسی و اسپینوسا،^۳ ۱۹۹۷؛ دی جانگ،^۴ ۲۰۰۰). مشارکت در تحصیلات رسمی، تعداد پیوندهای اجتماعی یک فرد را بدون توجه به اینکه آیا دانش، مهارت و موقعیت اجتماعی و اقتصادی از محل تحصیل کسب کرده‌اند، افزایش می‌دهد. علاوه بر این، شبکه‌های اجتماعی ممکن است به صورت هم‌زیستی با نظریه اقتصادی مرتبط باشند. آموزش رسمی نه تنها رابطه یک فرد با شبکه‌های اجتماعی وسیع‌تر را فراهم می‌کند، بلکه این شبکه‌های اجتماعی به طور انتخابی متشکل از افراد تحصیل‌کرده می‌شوند. بر اساس این نظریه، انتظار می‌رود دستیابی به تحصیلات، یا سال‌های بیشتری که صرف تحصیلات رسمی می‌شود، منجر به افزایش شبکه اجتماعی و در نتیجه افزایش احتمال مهاجرت شود (مسی و اسپافیا، ۱۹۸۷). در شکل ۲ رابطه تحصیلات و مهاجرت بر اساس نظریه‌های شبکه اجتماعی به صورت شماتیک نمایش داده شده است.



شکل ۲: شماتیک شده رابطه تحصیلات و مهاجرت بر اساس نظریه‌های شبکه اجتماعی

- 1 Donato
- 2 Zlotnik
- 3 Massey and Espinosa
- 4 De Jong

تحصیلات در تصمیم به مهاجرت از طریق سه مکانیسم مختلف تاثیر می‌گذارند: فرصت‌های شغلی، مهارت‌ها و اثرات شبکه اجتماعی. سطح بالاتر تحصیلات، فرصت‌های شغلی مناسبی در مقصد از طریق دو مسیر مختلف فراهم می‌کند؛ اول، افراد تحصیل کرده دارای امکانات و شرایط بهتری برای یافتن شغل در مکان توسعه‌یافته‌تر هستند. دوم اینکه، افراد تحصیل کرده احتمالاً پس از انتقال به محل جدید، درآمد بیشتری کسب می‌کنند و در طول زمان باعث ارتقای مهارت فردی می‌شود. کسب تحصیل نه تنها شانس پیدا کردن شغل (بهتر) را افزایش می‌دهد، بلکه باعث آشنایی با افرادی با مهارت‌های شناختی، عاطفی و اجتماعی می‌شود که در سراسر زندگی برای مهاجران مفید هستند. افراد تحصیل کرده، ویژگی‌های خاصی را به اشتراک می‌گذارند که در دوران تحصیلی خود به دست آورده‌اند. آموزش و کسب تحصیل به افراد می‌آموزد که از محیط و فرصت‌های خود آگاهی بهتری داشته باشند. مهارت‌های کسب‌شده از آموزش ممکن است مشکلات احتمالی مرتبط با مهاجرت نظیر سازگاری با محیط جدید را برطرف نماید که این امر منجر به کاهش هزینه‌ها و خطرات مهاجرت می‌شود (ویلیامز^۱، ۲۰۰۹).

علاوه بر این، تحصیلات در تصمیم به مهاجرت از طریق گسترش شبکه‌های اجتماعی تاثیر می‌گذارد. شبکه‌های اجتماعی به عنوان تعیین‌کننده مهاجرت داخلی شناسایی شده‌اند که به موجب آن افرادی که به مقصد مهاجرت کرده یا در مقصد زندگی می‌کنند، مهاجر را با انتقال اطلاعات و آگاهی حمایت می‌کنند (دی جانگ، ۲۰۰۰). تحصیل کردن، افراد را در تماس با افراد دیگر خارج از خانواده خود قرار می‌دهد و در نتیجه شبکه اجتماعی آن‌ها را ارتقا می‌دهد (ویلیامز، ۲۰۰۹). از اینرو، گسترش تحصیلات منجر به گسترش شبکه اجتماعی افراد و در نتیجه تمایل و اقدام به مهاجرت می‌شود. به‌طور کلی، در ادبیات نظری رابطه مثبتی بین تحصیلات (به‌ویژه دانشگاهی) و مهاجرت وجود دارد (لوی و وادیکی، ۱۹۷۴؛ تودارو^۲، ۱۹۸۰؛ گولد^۳، ۱۹۸۲؛ وایت و همکاران^۴، ۱۹۹۵؛ گرینوود^۱، ۱۹۹۷؛ ابل و ماتیراج^۲، ۲۰۱۷).

1 Williams
2 Todaro
3 Gould
4 White

پیشینه تحقیق

مطالعات عدیده‌ای در خصوص رابطه تحصیلات و مهاجرت‌های داخلی در کشورهای توسعه‌یافته صورت پذیرفته است که در این بخش به نتایج چند نمونه از آنها اشاره خواهد شد. ساهوتا (۱۹۶۸) با استفاده از داده‌های سرشماری عمومی، مهاجرت بین‌ایالتی در برزیل را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. وی از سطوح تحصیلات متوسط مبدا و مقصد برای بررسی رابطه بین تحصیلات و مهاجرت استفاده کرد. بر اساس نتایج این مطالعه، در فرایند مهاجرت تحصیلات به عنوان یک عامل دافعه در مبدا و به عنوان یک جاذبه در مقصد عمل می‌کند. در تحقیقی دیگر، ماچین^۳ و همکاران (۲۰۱۲) در نروژ نشان دادند که یک سال تحصیلی اضافی در سطح تحصیلات، احتمال مهاجرت یک فرد را افزایش می‌دهد. آنها همچنین دریافتند که تحصیل بیشتر تاثیری مثبت و معناداری بر مهاجرت داخلی دارد. به عنوان مثال، یک سال افزایش در سال‌های تحصیل، میزان مهاجرت سالانه را ۱۵ درصد افزایش می‌دهد.

مالامود و وزنیاک^۴ (۲۰۱۲) با استفاده از داده‌های سطح فردی سرشماری امریکا نشان دادند که سال‌های اضافی آموزش عالی به طور قابل توجهی احتمال تغییر محل سکونت افراد را افزایش می‌دهد. ایدمیر، کیدار و گورای (۲۰۱۸) اثر علی تحصیلات بر مهاجرت را با استفاده از اصلاح اجباری مدارس در ترکیه تخمین زدند. در حالی که تحصیلات به شدت احتمال مهاجرت را در میان مردان افزایش می‌داد، هیچ تاثیری برای زنان نشان داده نشد. مهاجرت زنان برای اهداف آموزشی و تحصیلی به طور قابل توجهی تا اوایل دهه ۲۰ زندگی افزایش یافته بود. همچنین این مطالعه نشان داد که آموزش و تحصیلات، باعث افزایش مهاجرت‌های داخلی برای اهداف شغلی شده است.

برنارد، بل و کوپر (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با توجه به شاخص شدت مهاجرت، یک رابطه قوی بین سطح تحصیلات و مهاجرت نشان دادند. افرادی که تحصیلات متوسطه داشتند، بالاترین

1 Greenwood

2 Abel and Muttaraj

3 Machin and et.al.

4 Malamud and Wozniak

میزان‌های مهاجرت را به خود اختصاص داده بودند، تکمیل آموزش ابتدایی به طور موثر احتمال مهاجرت را دو برابر و تحصیلات متوسطه آن را سه برابر کرده بود. این اثر فزاینده برای حرکت در مسافت‌های طولانی‌تر، که بین مناطق عمده مانند ایالت‌ها و استان‌ها وجود داشته، این رابطه را قوی‌تر کرد. این امر به خصوص در قاره آفریقا و آسیا بیشتر به چشم می‌خورد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه بیش‌ترین تاثیر را در افزایش سطح مهاجرت در کشورهای کمتر توسعه‌یافته اعمال می‌کنند، اما در کشورهای پیشرفته اقتصادی، تحصیلات دانشگاهی به عنوان عامل کلیدی در گزینش آموزشی مهاجران عمل کرده و در تمام سنین میزان مهاجرت در میان افراد تحصیلکرده بیشتر از سایر گروه‌ها می‌باشد.

در رابطه با تحصیلات و مهاجرت در ایران مطالعات اندکی صورت گرفته است. اسکویی و اکبری (۱۳۹۴) به بررسی رابطه بین نرخ باسوادی و مهاجرت در ایران پرداخته‌اند. نتایج نشان داد نرخ باسوادی و رشد اقتصادی تاثیر منفی بر مهاجرت دارند، ولی نرخ بیکاری و ضریب نفوذ اینترنت تاثیر مثبت بر احتمال مهاجرت دارند. راغفر و قاسمی اردهائی (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای به بررسی علل مهاجرت و ویژگی‌های جمعیتی - اقتصادی مهاجران بین شهرستانی در بین سالهای ۱۳۷۵-۱۳۸۵ پرداختند. آنان در ارتباط با ویژگی‌های مهاجران به لحاظ تحصیلی به این نتیجه دست یافتند که میزان باسوادی برای مهاجران شهر به روستا و روستا به شهر تقریباً مساوی است. البته تفاوت‌هایی در سطوح تحصیلی راهنمایی و دبیرستان مشاهده نمودند. مهاجران شهر به روستا دارای تحصیلات راهنمایی و در مقابل مهاجران روستا به شهری دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. همچنین نتایج تحلیل چندمتغیره مطالعه مذکور نشان داد که احتمال مهاجرت روستا- شهری در بین دارندگان تحصیلات دانشگاهی ۵۰ درصد بیشتر از افرادی است که تحصیلات ابتدایی داشته‌اند. از اینرو، تحقیقات زیادی در کشورهای توسعه‌یافته به بررسی تاثیر تحصیلات بر مهاجرت‌های داخلی پرداخته‌اند. اما در ایران علیرغم مطالعات متعددی که در ارتباط با ابعاد مختلف مهاجرت صورت پذیرفته است، کندوکاو این اثرگذاری و مکانیزم آن مغفول باقی مانده است.

روش تحقیق و داده‌ها

روش تحقیق مطالعه، تحلیل ثانویه داده‌های خرد (سطح فردی- نمونه دو درصدی) و کلان (نتایج کلی) سرشماری ۱۳۹۵ است. در سطح خرد، واحد تحلیل فرد است و در سطح کلان، واحد تحلیل شهرستان می‌باشد. بر اساس داده‌های سطح فردی به محاسبه شاخص شدت مهاجرتی^۱ در سطوح مختلف تحصیلی پرداختیم. شاخص شدت مهاجرتی، سطح کلی مهاجرت در درون یک جمعیت را نشان می‌دهد. فرمول محاسبه آن به صورت زیر می‌باشد؛ M تعداد مهاجران و P جمعیت در معرض می‌باشد (بل و همکاران، ۲۰۲۰).

$$CMI = M / P * 100$$

بر اساس ماتریس مهاجرت بین شهرستانی (اقامت قبلی و فعلی) در دوره پنج ساله ۱۳۹۵-۱۳۹۰ شاخص میزان خالص مهاجرت (NMR) محاسبه شد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). این شاخص که از تفاضل تعداد مهاجران وارد شده و خارج شده و تقسیم آن بر جمعیت شهرستان بدست آمده است، به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد. نسبت‌های جمعیت شهرستان در سطوح مختلف تحصیلی، متغیر مستقل مطالعه است. از اینرو، در سطح شهرستانی به بررسی رابطه بین سطح تحصیلات و میزان خالص مهاجرت بین شهرستانی پرداختیم. البته، این رابطه در سطوح مختلف توسعه‌ای و بر اساس سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها مورد آزمون قرار گرفت.

یافته‌ها

تفاوت‌های شهرستانی در سطح تحصیلات

همانطور که در جدول ۱ مشخص است در ۱۴ درصد از شهرستان‌های کشور میزان بی‌سوادی کمتر از ۱۰ درصد است، در مقابل، میزان بی‌سوادی بالاتر از ۲۰ درصد در حدود ۲۱ درصد شهرستان‌های کشور مشاهده می‌شود. میزان بی‌سوادی جمعیت از ۱ درصد در شهرستان ابوموسی تا ۳۹ درصد در شهرستان سرباز در نوسان است. پایین‌ترین میزان بی‌سوادی جمعیت در شهرستان‌های ابوموسی (۱٪)، پردیس (۵٪)، تهران (۶٪)، سمنان (۶٪)، بوشهر (۶٪)،

1 Migration intensity

کرج (۷٪) و یزد (۷٪) مشاهده شده است. در مقابل، بالاترین میزان بی‌سوادی مربوط به شهرستان‌های سرباز (۳۹٪)، قصرقند (۳۵٪)، فنوج (۳۴٪)، نیک‌شهر (۳۴٪)، چابهار (۳۲٪) و مهرستان (۳۱٪) که همگی در استان سیستان و بلوچستان قرار دارند، می‌باشد.

جدول ۱. توزیع درصدی جمعیت ۶ ساله و بالاتر بر حسب سطح تحصیلات در شهرستان‌های

ایران، ۱۳۹۵

بی‌سوادی	ابتدایی	راهنمایی	متوسطه	دیپلم	دانشگاهی	
۱۳٫۸	۰٫۲	۰٫۲	۹۶٫۵	۱۰٫۳	۲۶٫۶	کمتر از ۱۰ درصد
۶۴٫۸	۶٫۸	۹۶٫۵	۳٫۵	۷۰٫۲	۵۷٫۸	۱۰-۲۰ درصد
۱۹٫۸	۶۰٫۸	۳٫۳	۰٫۰	۱۹٫۶	۱۴٫۷	۲۱-۳۰ درصد
۱٫۶	۳۲٫۲	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۰	۰٫۹	بیشتر از ۳۰ درصد
۴۲۹ (۱۰۰٪)						تعداد شهرستان

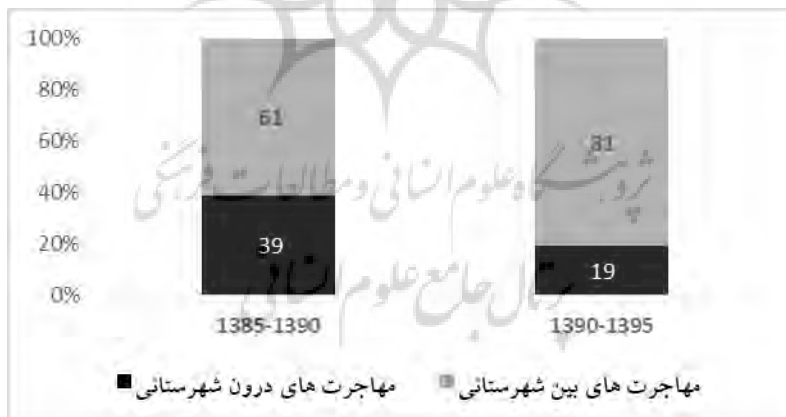
همچنین، در ۷۰ درصد شهرستان‌های کشور بین ۱۰ تا ۲۰ درصد جمعیت تحصیلات دیپلم دارند. بیشترین نسبت جمعیت با تحصیلات دیپلم مربوط به شهرستان‌های ابوموسی (۳۰٪)، بندرانزلی (۲۸٪)، فردیس (۲۷٪)، پردیس (۲۷٪)، و شاهین شهر (۲۷٪) بوده است. پایین‌ترین نسبت جمعیت با تحصیلات دیپلم مربوط به شهرستان‌های سرباز (۴٪)، مهرستان (۵٪)، قصرقند (۶٪)، سیب و سوران (۶٪)، دلگان (۶٪) و چابهار (۶٪) می‌باشد.

در خصوص تحصیلات دانشگاهی همان‌طور که در جدول ۱ مشخص است، حدود ۲۷ درصد شهرستان‌های کشور نسبت جمعیت با تحصیلات دانشگاهی کمتر از ۱۰ درصد دارند و در مقابل، در حدود ۱۶ درصد شهرستان‌های کشور، نسبت جمعیت با تحصیلات دانشگاهی، بیش از ۲۰ درصد است. در سطح تحصیلات دانشگاهی، نتایج بیانگر تفاوت شهرستان‌ها از ۳ درصد در شهرستان هیرمند تا ۳۸ درصد در شهرستان ابوموسی است. بر این اساس، بالاترین نسبت جمعیت با تحصیلات دانشگاهی مربوط به شهرستان‌های ابوموسی (۳۸٪)، سمنان (۳۷٪)، تهران (۳۳٪)، کنگان (۳۲٪)، جم (۳۰٪)، و بوشهر (۲۸٪) است. در مقابل، پایین‌ترین نسبت جمعیت

با تحصیلات دانشگاهی به شهرستان‌های هیرمند (۳٪)، سرباز (۳٪)، زاوه (۳٪)، میرجاوه (۴٪)، مهران (۴٪)، قصرقند (۴٪)، فیروزه (۴٪) و سیب و سوران (۴٪) مربوط است.

نسبت مهاجرت‌های بین‌شهرستانی

در دوره پنج ساله ۹۰-۱۳۸۵، تعداد مهاجران داخلی ۵,۰۸۹,۳۵۴ نفر بوده است که از این تعداد ۳,۱۰۵,۳۰۹ نفر مهاجر بین‌شهرستانی و مابقی مهاجر درون‌شهرستانی بوده‌اند. در واقع همان‌طور که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود حدود ۶۱ درصد مهاجران داخلی در این دوره، مهاجر بین‌شهرستانی بوده‌اند. در دوره پنج ساله ۹۵-۱۳۹۰، تعداد مهاجران داخلی ۴,۱۶۶,۴۳۳ نفر بوده است که از این تعداد ۳,۳۸۰,۸۲۹ نفر مهاجر بین‌شهرستانی و مابقی مهاجر درون‌شهرستانی بوده‌اند. از اینرو، ۸۱ درصد مهاجران داخلی در این دوره، را مهاجران بین‌شهرستانی تشکیل می‌دهند. بنابراین، هرچند در دوره پنج ساله ۹۵-۱۳۹۰ در مقایسه با دوره ۹۰-۱۳۸۵، تعداد مهاجران داخلی کاهش یافته، اما هم‌تعداد و هم‌نسبت مهاجران بین‌شهرستانی افزایش یافته و از ۶۱ به ۸۱ درصد رسیده است.

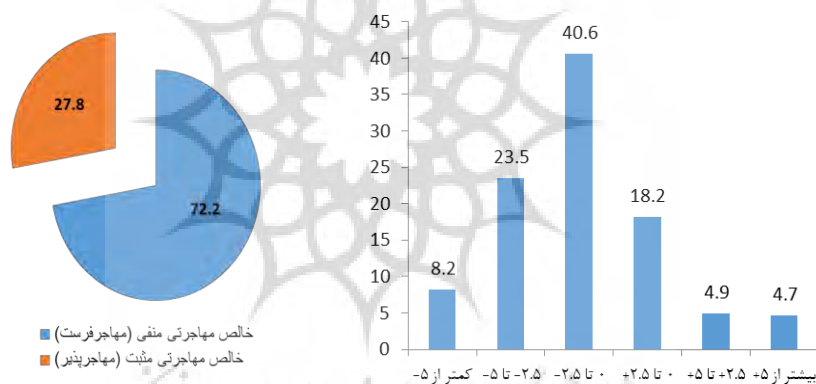


نمودار ۱. سهم مهاجرت‌های درون/ بین‌شهرستانی از کل مهاجران داخلی در دوره‌های

۹۰-۱۳۸۵ و ۹۵-۱۳۹۰

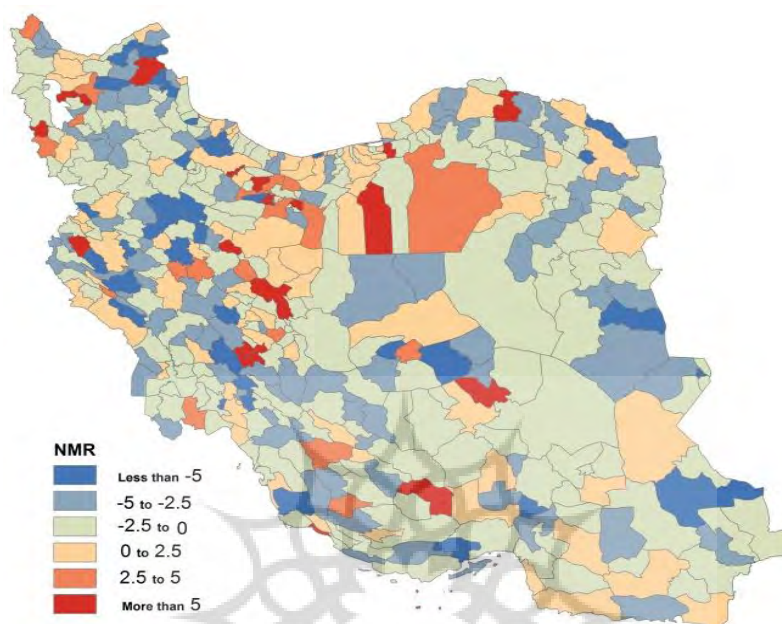
میزان‌های خالص مهاجرت بین‌شهرستانی

برآورد میزان خالص مهاجرت بین‌شهرستانی نشان داد که حدود ۷۲ درصد شهرستان‌های کشور موازنه مهاجرتی منفی در دوره ۹۵-۱۳۹۰ داشته‌اند و در مقابل، ۲۸ درصد موازنه مهاجرتی مثبت داشته‌اند. بررسی میزان خالص مهاجرتی نشان می‌دهد که حدود ۴۱ درصد شهرستان‌های کشور نرخ خالص مهاجرت بین‌شهرستانی، بین ۰ تا ۲/۵- درصد بوده است. در مقابل در ۱۸ درصد شهرستان‌ها این رقم بین ۰ تا ۲/۵+ بوده است. حدود ۲۳ درصد شهرستان‌ها موازنه مهاجرتی منفی بین ۲/۵- تا ۵- و در مقایسه فقط ۵ درصد نرخ خالص مهاجرت مثبت ۲/۵+ تا ۵+ در دوره ۹۵-۱۳۹۰ داشته‌اند.



نمودار ۲- وضعیت موازنه مهاجرتی بین‌شهرستانی (%، ۱۳۹۵-۱۳۹۰)

همانطور که در نقشه ۱ مشاهده می‌شود موازنه منفی مهاجرتی عمدتاً در شهرستان‌های نوار مرزی شرق و به‌ویژه غرب کشور مشاهده می‌شود. در مقابل، شهرستان‌های واقع در مرکز کشور و جنوب غربی (سمت بوشهر) موازنه مهاجرتی مثبت دارند. مقدار میزان خالص مهاجرت بین شهرستانی از ۱۲/۷- در سریشنه تا ۲۷/۱+ در ابوموسی در نوسان بوده است. بیشترین موازنه منفی مهاجرتی در شهرستان‌های سریشنه، اردال، سیروان، فریدن، و کهگیلویه بوده است. در مقابل بیشترین میزان موازنه مثبت مهاجرتی مربوط به شهرستان‌های ابوموسی، اسکو، پردیس، خوسف و کنگان می‌باشد.

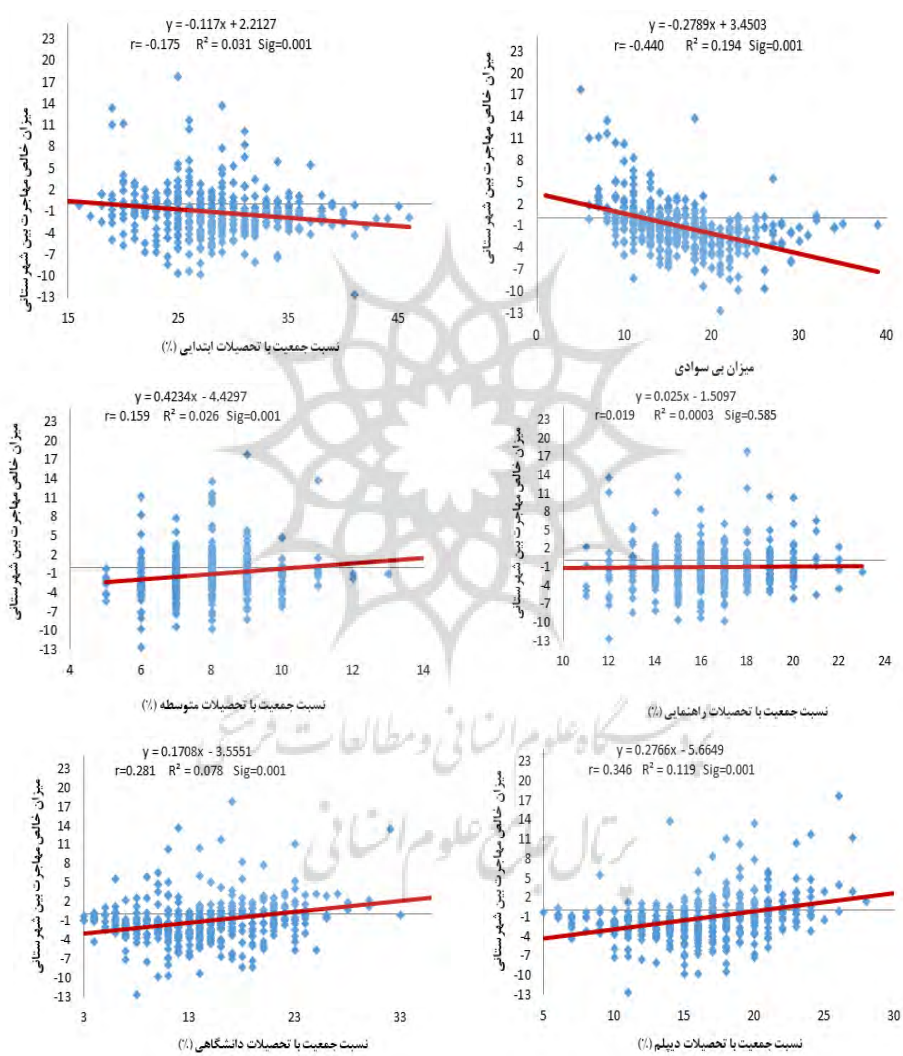


نقشه ۱- میزان خالص مهاجرت بین‌شهرستانی در ایران، ۱۳۹۰-۱۳۹۵

آزمون رابطه تحصیلات با میزان خالص مهاجرت بین‌شهرستانی

در این بخش از مقاله به بررسی رابطه سطوح مختلف تحصیلات با میزان خالص مهاجرت بین‌شهرستانی پرداختیم که نتایج آن در نمودارهای ۳ منعکس شده است. بر این اساس، همانطور که مشاهده می‌شود میزان بی‌سوادی و نسبت جمعیت با تحصیلات ابتدایی رابطه منفی و معنی‌داری (۰,۰۰۱) با میزان خالص مهاجرت بین‌شهرستانی دارند. از اینرو، هرچه نسبت بی‌سوادی و تحصیلات پایین (ابتدایی) در شهرستان‌ها بیشتر باشد، موازنه مهاجرتی منفی بیشتری را تجربه می‌کنند. برای نسبت جمعیت با تحصیلات راهنمایی این رابطه معنی‌دار نبوده است (۰,۵۸۵). در مقابل، این رابطه برای تحصیلات متوسطه، دیپلم و دانشگاهی مثبت و معنی‌دار بوده است. از

اینرو، شهرستان‌هایی که سطح تحصیلات بالاتر به‌ویژه دیپلم و دانشگاهی در آنها بیشتر است، موازنه مهاجرتی مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند.



نمودار ۳- نتایج آزمون رابطه تحصیلات با میزان خالص مهاجرت بین شهرستانی، ۱۳۹۵-۱۳۹۰

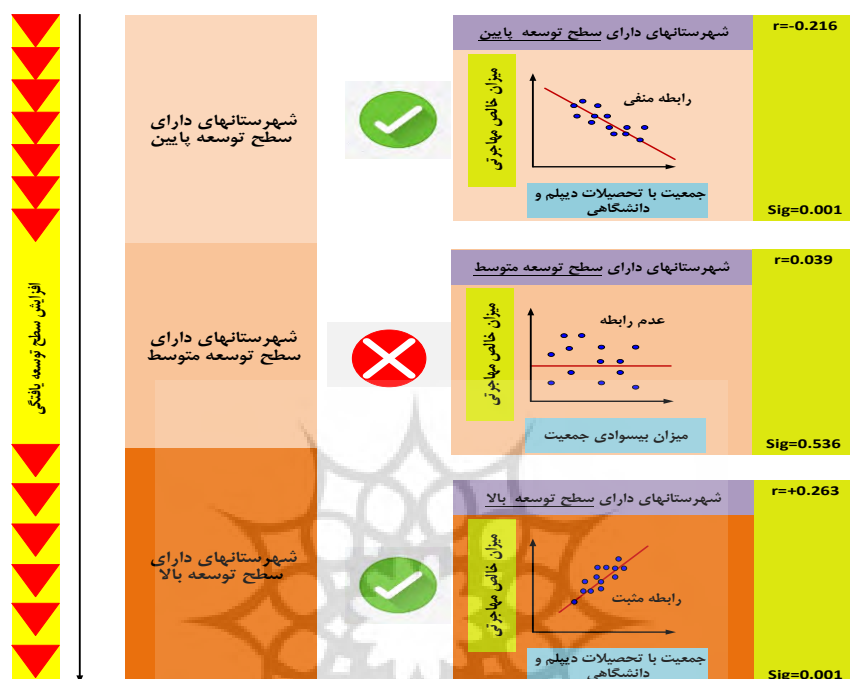
آزمون رابطه تحصیلات با مهاجرت در بسترهای مختلف توسعه‌ای

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود رابطه تحصیلات و نرخ خالص مهاجرت بین-شهرستانی بر اساس سطح توسعه شهرستان‌ها، متفاوت است. بر این اساس، رابطه منفی میزان بی‌سوادی جمعیت و میزان خالص مهاجرتی فقط در شهرستان‌های با سطح توسعه متوسط و بالا مشاهده می‌شود و این رابطه برای شهرستان‌های با سطح توسعه پایین مصداق پیدا نمی‌کند. همچنین رابطه منفی و معنی‌دار نسبت جمعیت با تحصیلات ابتدایی با میزان خالص مهاجرتی فقط در شهرستان‌های با سطح توسعه بالا مشاهده می‌شود.

جدول ۲- رابطه تحصیلات با میزان خالص مهاجرتی در سطوح مختلف توسعه‌ای

سطح توسعه بالا		سطح توسعه متوسط		سطح توسعه پایین		کل		تحصیلات (%)
Sig.	r	Sig.	r	Sig.	r	Sig.	r	
۰/۰۰۱	-۰/۵۶۰	۰/۰۰۱	-۰/۴۹۸	۰/۷۸۹	۰/۰۲۷	۰/۰۰۱	-۰/۴۴۰	بی‌سواد
۰/۰۵۰	-۰/۲۱۲	۰/۱۳۹	۰/۰۹۲	۰/۲۹۸	۰/۱۰۵	۰/۰۰۱	-۰/۱۷۵	ابتدایی
۰/۵۵۸	-۰/۰۷۲	۰/۰۰۱	۰/۲۷۹	۰/۶۸۵	-۰/۰۴۱	۰/۶۸۵	۰/۰۱۹	راهنمایی
۰/۰۰۸	۰/۳۱۶	۰/۱۲۸	۰/۰۹۵	۰/۰۲۴	۰/۲۲۵	۰/۰۰۱	۰/۱۵۹	متوسطه
۰/۰۰۲	۰/۳۶۱	۰/۰۰۱	۰/۲۱۸	۰/۰۴۸	-۰/۱۴۱	۰/۰۰۱	۰/۳۴۶	دیپلم
۰/۰۲۳	۰/۲۶۳	۰/۵۳۶	-۰/۰۳۹	۰/۰۳۱	-۰/۲۱۶	۰/۰۰۱	۰/۲۸۱	دانشگاهی

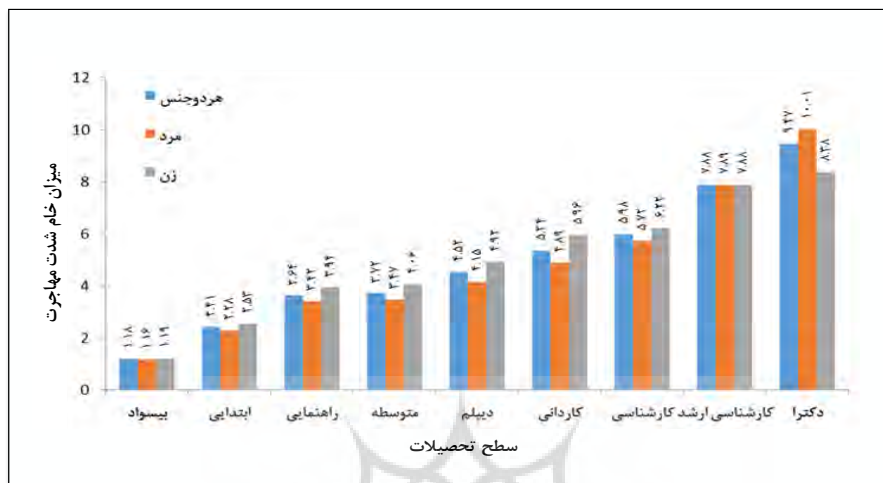
رابطه نسبت جمعیت با تحصیلات دیپلم و دانشگاهی با میزان خالص مهاجرتی، در بسترهای مختلف توسعه‌ای متفاوت بوده است؛ در شهرستان‌های با سطح توسعه پایین جهت این رابطه منفی بوده است و در شرایط سطح توسعه بالا، جهت این رابطه مثبت بوده است. از اینرو، در شهرستان‌های با سطح توسعه پایین، نسبت بالای تحصیلات دیپلم و دانشگاهی با موازنه منفی مهاجرتی بیشتر همراه است و در مقابل، در شهرستان‌های با سطح توسعه بالا، نسبت بالای تحصیلات دیپلم و دانشگاهی با موازنه مثبت مهاجرتی بیشتر همراه است. بنابراین، رابطه تحصیلات با نرخ مهاجرت خالص در بسترهای مختلف توسعه‌ای متفاوت است. این موضوع در شکل ۳ نشان داده شده است.



شکل ۳: شماتیک شده رابطه تحصیلات با مهاجرت در بسترهای مختلف توسعه‌ای

آزمون رابطه تحصیلات با شدت مهاجرتی: تحلیل داده‌های فردی

در این بخش از مقاله با استفاده از داده‌های سطح فردی (دو درصدی) سرشماری ۱۳۹۵ به بررسی رابطه سطح تحصیلات با میزان خام شدت مهاجرت برای افراد ۱۵ ساله و بالاتر پرداختیم که نتایج آن در نمودار ۴ آمده است. همانطور که در نمودار مشخص است با افزایش سطح تحصیلات، شدت مهاجرتی بطور محسوسی افزایش می‌یابد. نرخ شدت مهاجرتی برای افراد بی‌سواد ۱/۲ درصد و برای افراد با تحصیلات دکتری ۹/۵ درصد است. همانطور که مشاهده می‌شود با افزایش سطح تحصیلات، شدت مهاجرتی هم برای مردان و هم برای زنان، بطور فزاینده‌ای افزایش می‌یابد.



نمودار ۴. میزان خام شدت مهاجرت بین شهرستانی برحسب سطح تحصیلات افراد ۱۵ ساله و

بالاتر (%). ۱۳۹۵

بحث و نتیجه گیری

امروزه مهاجرت‌های داخلی نقش مهمی در پویایی و جابه‌جایی جمعیت و سرمایه انسانی در ایران ایفاء می‌کنند. مطالعات و شواهد نظری و تجربی بیانگر رابطه پیچیده، چندوجهی و متقابل تحصیلات و مهاجرت است. مقاله حاضر، با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های خرد (سطح فردی- نمونه دو درصدی) و کلان (نتایج کلی) سرشماری ۱۳۹۵ به تجزیه و تحلیل نتایج پرداخت. ناپایداری جمعیتی که در نرخ‌های بالای مهاجرت فرستی معنا پیدا می‌کند و متأثر از نابرابری توسعه‌ای در کشور است، برای مناطق مرزی کشور به‌ویژه جنوب شرقی کشور و مناطق غربی کشور بیشتر محسوس و قابل مشاهده است. در مقابل، در مناطق مرکزی و شمالی کشور و منطقه پارس جنوبی (کنگان و عسلویه) مهاجرت‌پذیری بالایی وجود دارد. این وضعیت‌های متفاوت بیانگر آن است که پایداری جمعیتی بخشی از نظام پایداری است که با پایداری در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست- محیطی ارتباط تنگاتنگی دارد. به بیان دیگر، یکی از بسترهای مهم و کلیدی شکل‌گیری مهاجرت‌های داخلی، نابرابری فضایی توسعه است. شهرستان‌های کشور سطوح متفاوتی از توسعه را تجربه می‌کنند و این عدم تعادل در بهره‌گیری

از مواهب توسعه‌ای به حرکات و جابجایی‌های ناموزون جمعیتی منجر شده است (صادقی و شکرپانی، ۱۳۹۵). هرچند توسعه نابرابر عامل مهمی در جریان مهاجرت‌های داخلی است، اما تفاوت‌های منطقه‌ای و استانی محسوسی در علل مهاجرت از بیکاری گرفته تا خشکسالی وجود دارد. با توجه به تشدید نابرابری‌های فضایی و منطقه‌ای در کشور، کمبود فرصت‌های شغلی در بسیاری از استان‌های کشور، در کنار ساختار جوان جمعیتی و ظهور پنجره جمعیتی (افزایش نسبت جمعیت در سنین فعالیت)، همچنان شاهد افزایش جریان مهاجرت‌های داخلی خواهیم بود. همچنین، نتایج بیانگر رابطه مثبت تحصیلات دانشگاهی با میزان خالص مهاجرت بین شهرستانی است. با اینحال، رابطه تحصیلات دانشگاهی با میزان خالص مهاجرتی، در بسترهای مختلف توسعه‌ای متفاوت بدست آمد؛ در شهرستان‌های کمتر توسعه‌یافته، نسبت بالای جمعیت تحصیل کرده دانشگاهی با موازنه منفی مهاجرتی بیشتر همراه است. در مقابل، در شهرستان‌های توسعه‌یافته، نسبت بالای جمعیت تحصیل کرده دانشگاهی با موازنه مثبت مهاجرتی بیشتر همراه است. این یافته با نتایج مطالعه برنارد، بل و کوپر (۲۰۱۸) منطبق است.

علاوه بر این، نتایج تحلیل سطح فردی نشان داد که شدت مهاجرت بین شهرستانی با بهبود سطح تحصیلات افزایش می‌یابد بطوریکه، شدت مهاجرتی افراد با تحصیلات دکتری حدود ۱۰ برابر افراد بی‌سواد بوده است. این یافته همسو با نتایج ارائه شده در بسیاری از مطالعات (تودارو، ۱۹۸۰؛ گرینوود، ۱۹۹۷؛ لوی، ۱۹۷۴)، است. مالمود و همکاران (۲۰۱۲)، با استفاده از داده‌های سرشماری سطح فردی، نشان دادند که سال‌های اضافی آموزش عالی به طور قابل توجهی احتمال تغییر محل سکونت افراد را افزایش می‌دهد. در مطالعه مشابهی ماچین و همکاران (۲۰۱۲)، بیان کردند که تحصیل بیشتر تأثیری مثبت و معنادار بر مهاجرت داخلی دارد. علاوه بر اینها، در مطالعه حاضر روند افزایش شدت مهاجرتی بر اساس سطح تحصیلات برای مرد و جنس، مردان و زنان مشاهده شد. در حالیکه، مطالعه ایدمیر، کیدار و گوری (۲۰۱۸)، نشان داد که تحصیلات به شدت احتمال مهاجرت را فقط در میان مردان افزایش می‌داد و هیچ تأثیری برای زنان نداشت.

از اینرو، در موازنه مهاجرتی، شهرستان‌های مهاجرپذیر سرمایه انسانی بیشتری بدست آورده و در مقابل شهرستان‌های مهاجرفرست، جمعیت تحصیلکرده دانشگاهی و سرمایه انسانی‌شان از دست می‌دهند. در نتیجه، تداوم این وضعیت منجر به تشدید نابرابری‌های منطقه‌ای در کشور می‌شود. به طور کلی، با توجه به ساختار سنی و تحصیلی کشور از یک سو، و نیز الگوی مهاجرت افراد تحصیلکرده در کشور از سوی دیگر، تدوین سند جامعی برای بهره‌گیری از پتانسیل‌های سرمایه انسانی مناطق کشور ضروری است. بدین ترتیب، با توجه به پیچیدگی فرایند مهاجرت، روند فزاینده جریان‌های مهاجرتی داخلی در کشور، و ابعاد و الگوهای مختلف آن و همچنین، استناد به اسناد بالادستی، به‌ویژه، سیاست‌های کلی جمعیت و برنامه ششم توسعه اقتصادی- اجتماعی کشور، تدوین سند ملی مهاجرت داخلی برای تعیین سیاست‌ها و راهبردهای مدیریت مهاجرت‌های داخلی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

منابع

- اسکویی، سیدعلی، و لاله طبقچی‌اکبری (۱۳۹۴). "بررسی رابطه بین نرخ باسوادی و مهاجرت در ایران"، مطالعات جامعه‌شناسی، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۸۳-۷۳.
- راغفر، حسین و علی قاسمی‌اردهانی (۱۳۸۸). "علل مهاجرت و ویژگی‌های جمعیتی اقتصادی مهاجران بین شهرستانی: بررسی تطبیقی مهاجران شهر به روستا و روستا به شهر ایران طی دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵"، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۸، صص ۶۱-۳۹.
- شهبازین، سعیده، عباس عسکری‌ندوشن، و محمدجلال عباسی‌شوازی (۱۳۹۷). "نقش مهاجرت داخلی در بازتوزیع جمعیت ایران (دوره زمانی ۱۳۹۵ - ۱۳۷۰)"، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۲۵، صص ۶۶-۳۳.
- صادقی، رسول و محسن شکرانی (۱۳۹۵). "تحلیل نوسانات فضایی تأثیر توسعه بر مهاجرت داخلی- بین‌شهرستانی در ایران"، فصلنامه توسعه محلی (روستایی- شهری)، دوره هشتم، شماره ۲ (پاییز و زمستان)، صص ۲۵۲-۲۲۷.

- محمودیان، حسین و علی قاسمی اردهایی (۱۳۹۲). "بررسی وضعیت مهاجرت و شهرنشینی در ایران"، تهران: صندوق جمعیت سازمان ملل متحد.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). نتایج سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵، مرکز آمار ایران.
- Abel, G. J, and R. Muttaraj (2017). "Who is moving? Exploring internal migration by gender and education across 58 countries". Paper presented at the Annual Meeting of the Population Association of America, Chicago. 1-14.
- Adams, R.H (1993). "The economic and demographic determinants of international migration in rural Egypt". The Journal of Development Studies 30(1): 146-167.
- Aydemir, A. B, M .Kirdar, and T. Guray (2018). "The Effect of education on internal migration: Level and timing effects by reason of migration", Tthe Turkish Labor Market Conference in Istanbul, Third Annual Istanbul Conference on Human Capital: Economics of Education, Health, and Worker Productivity.
- Bell, M. and E. Charles-Edwards (2013). "Cross-national comparisons of internal migration: An update on global patterns and trends". Population Division Technical Paper, United Nations New York. 1-30.
- Bell, M, A. Bernard, E.Charles-Edwards, and Y. Zhu (2020)." Internal Migration in the Countries of Asia". Springer.
- Bernard, A , M .Bell. and J. Cooper (2018). "Internal Migration and Education: A Cross-National Comparison". The 2019 Global Education Monitoring Report, Pp. 1-67.
- De Jong, G. F (2000). "Expectations, Gender, and Norms in Migration Decision-Making". Population Studies 54(3): 307-319.
- Donato, M (1993). "Current trends and patterns of female migration - Evidence from Mexico". International Migration Review (27):748-771.
- Esipova, N, A. Pugliese. and J. Ray (2013). "The Demographics of Global Internal Migration". Migration Policy Practice, International Organization for Migration (IOM) 3(2):2-5.
- Faggian, A. I. Rajbhandari. and K. R. Dotzel (2017)." The interregional migration of human capital and its regional consequences: a review". Regional Studies 51(1): 128-143.
- Ginsburg, C, P. Bocquier. D .Béguy, S .Afolabi, O. Augusto, K .Derra. and P. Zabre (2016). "Human capital on the move: Education as a determinant of internal migration in selected INDEPTH surveillance populations in Africa". Demographic Research 34 (30): 845-884.
- Gould, W (1982). "Education and internal migration: A review and report". International Journal of Educational Development 1(3): 103-111.
- Greenwood, M. J (1997)."Internal Migration in Developed Countries". In Handbook of Population and Family Economics, Elsvier, Pp. 647-720.
- Levy, M. B. and W. J .Wadycki (1974)."Education and the Decision to Migrate: An Econometric Analysis of Migration in Venezuela". Econometrica: Journal of the Econometric Society 42(2): 377-388.
- Machin, S, P. Pelkonen. and K.G. Salvanes (2012)."Education and mobility". Journal of the European Economic Association 10(2):417-450.
- Malamud, O. and A. Wozniak (2012)."The Impact of College on Migration". The Journal of Human Resources 47(4): 913-950.

- Massey, D. S. and K. E. Espinosa (1997). "What's driving Mexico-US migration? A theoretical empirical, and policy analysis". *The American Journal of Sociology* 102 (4):939-999.
- Massey, D. S. and F.G. Espafia (1987). "The Social Process of International Migration." *American Association for the Advancement of Science* (237): 733-738.
- McHenry, P (2013). "The Relationship between Schooling and Migration: Evidence from Compulsory Schooling Laws". *Economics of Education Review* 35 (C): 24-40.
- Sadeghi, R, M. J. Abbasi-Shavazi, and S. Shahbazin (2020). "Internal Migration in Iran". Chapter 14, In Bell, M, A. Bernard, E.Charles-Edwards, and Y. Zhu (2020). " *Internal Migration in the Countries of Asia*". Springer.
- Sahota, G. S (1968). "An Economic Analysis of Internal Migration in Brazil". *Journal of Political Economy* 76(2): 218-245.
- Stark, O, Bloom. D. E (1985). "The new economics of labour migration". *American Economic Review* 75(2):173-178.
- Todaro, M. P (1980). "Internal Migration in Developing Countries: A Survey". *Population and Economic Change in Developing Countries*, National Bureau of Economic Research, Inc: 361- 402.
- United Nations (2013). Department of Economic and Social Affairs, Population Division, *International Migration Report 2013*.
<http://www.un.org/en/development/desa/population/publications/pdf/migration/migrationreport>.
- White, M, J. L. Moreno. And G.Shenyang (1995). "The interrelation of fertility and geographic mobility in Peru: A hazards model analysis". *International Migration Review* (29):492-514.
- Williams, N (2009). "Education, Gender, and Migration in the Context of Social Change". *Social Science Research* 38(4): 883-896.
- Zlotnik, H (1995). "The south-to-north migration of women". *International Migration Review* 29 (1): 229-254.

Original Research Article ■

Education, Development and Internal Migration in Iran

Rasoul Sadeghi¹, Nasibeh Esmaeili², Mohammad Jalal Abbasi Shavazi³

Abstract Theoretical models and experimental evidence demonstrate a complex, multi-dimensional and mutual relationship between education and migration. Internal migration plays an and movements in Iran. On the other hand, education has an important role in decision making and migrating. The aim of this article is to investigate the relationship between education and internal migration using the micro- (or individual-) and aggregate-level data from the 2016 census. The results indicated that the inter-county migration balance has been negative for about three-fourths of the counties between 2011 and 2016. The results also confirm that there is a positive correlation between higher education and net migration rates. However, the association between education and net migration varies in different developmental contexts.; in less developed counties, a higher proportion of highly educated population is associated with a more negative NMR. In contrast, in more developed counties, a higher proportion of highly educated population is associated with a more positive NMR. In addition, the analysis of micro-level data showed that the internal migration intensity increases with an increase in the level of educational. So that, the migration intensity is ten time larger for those with a PhD degree, compared to illiterates. In migration balance, thus, more-developed counties gain more human capital and less developed counties, on the other hand, lose their highly educated population and human capital. The continuation of this condition is expected to lead to more socio-regional inequalities.

Keywords Development, Higher education, Net migration rate, Migration intensity, Internal migration.

Received: 03 June 2020

Accepted: 19 October 2020

1 Associated Professor of Demography, University of Tehran & Researcher, National Population Studies and Comprehensive Management Institute, Iran, rassadeghi@ut.ac.ir

2 PhD Candidate in Demography, University of Tehran (Corresponding Author), n.esmaeli@gmail.com

3 Professor of Demography, University of Tehran, mabbasi@ut.ac.ir

DOI: : <https://dx.doi.org/10.22034/jpai.2021.128570.1152>